

آذربایجان

ناشر افکار فرقه دموکرات آذربایجان

دوره پنجم شماره ۱۴۶ شهریور ۱۳۹۷

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان
جمعیت مهاجرین "ایرانیان مقیم جمهوری آذربایجان"
اطلاعیه
مسابقه علمی - پژوهشی



ادامه برص ۶

مراسم بزرگداشت انتشار بیانیه 12 شهریور



ادامه برص ۸

ویژه صدمین زادروز شهید فریدون ابراهیمی
به مناسب صدمین زادروز (تولد ۲۱/۱۱/۱۹۱۸) شهید فریدون ابراهیمی، مبارز، سیاستمدار، حقوقدان، روزنامه نگار، دیپلمات، شاعر، محقق و دادستان کل حکومت ملی آذربایجان و یکی از برجسته ترین رهبران فرقه دمکرات آذربایجان در دوران دولت خود مختار آذربایجان همایشی برگزار می شود. هدف از این همایش که توسط کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان و جمعیت مهاجرین "ایرانیان مقیم جمهوری آذربایجان" برگزار می شود. پرداختن به شخصیت ویژه و جاودانه این انقلابی و مبارز بزرگ کشورمان است. بدین وسیله از همه مبارزین و آزایخواهان، محققین، مورخین، روزنامه نگاران و ارباب رسانه را دعوت می کنیم تا در این راه ما را یاری رسانند.

ادامه برص ۵

سرزمین اولین ها

نگاهی به مدارس آذربایجان

فرزانه ابراهیم زاده (پژوهشگر تاریخ بخش نخست



ادامه برص ۲

گوشه هایی از تاریخ معاصر ایران ص ۹

جمهوری اسلامی سه زندانی سیاسی را اعدام کرد ص ۱۱

شعرلر ص ۱۲

جمهوری فدرال خواست همه ملل و اقوام ایران است!



معلمان و شاگردان مدرسه تمدن تبریز رد دوره قاجار. عکس از آرشیو موسسه مطالعات تاریخ معاصر

شد و برای اولین بار در همین شهر بود که یکی از پاسخ های آن مطرح شد و آن هم ساخت مدرسه بود.

راهبان عیسوی معلمان اول

«نمیدانم این قدرتی که شما اروپایی ها را بر ما مسلط کرده چیست و موجب ضعف ما و ترقی شما چه؟ شما در قشون جنگیدن و فتح کردن و بکار بردن تمام قوای عقلیه متبحرید و حال آن که ما در جهل و شغب غوطه ور و به ندرت آتیه را در نظر می گیریم. مگر جمعیت و حاصلخیزی و ثروت مشرق زمین از اروپا کمتر است؟ یا آفتاب که قبل از رسیدن به شما به ما می تابد، تاثیرات مفیدش در سرما کمتر از سر شماست؟ یا خدایی که مراحمش بر جمیع ذرات عالم یکسان است خواسته شما را از ما بر تری دهد؟ گمان نمی کنم. اجنبی حرف بزن بگو من چه باید بکنم که ایرانیان را هشیار نمایم؟» شاید وقتی عباس میرزا در دارالحکومه تبریز و روبه روی مسیو ژوبر فرانسوی نشسته بود و با حسرت این سؤال را می پرسید، نمی دانست که دارد پاسخ خودش را می دهد؛ پاسخ، آموختن علوم جدید بود که هنوز از مرزهای ایران به دلایل زیادی نگذشته بود و ورودش می توانست اتفاق مهمی باشد. البته عباس میرزا در کتاب های تاریخی آن قدر درگیر مرزهای غرب و شرق بود که نمی توانست به راه حل های جدی تری فکر کند و از او روایت کرده اند که هفت دانش آموز را به فرنگستان بفرستد تا درس بخوانند و برگردند. اما این تنها کاری نبود که او انجام داد. عباس میرزا که از مشورت وزیر بزرگی چون میرزا عیسی قائم مقام غافل نبود به این نتیجه رسید که فرزندان خودش هم باید دانش فرنگی و

سرزمین اولین ها...

این که کتاب های تاریخی روز 5 دی ۱۲۳۰ خورشیدی - افتتاح دارالفنون تهران را - مبدا تاریخ آموزش و پرورش مدرن ایران می دانند، اشتباهی ناخواسته شاید هم خواسته است و نزدیک به سی سال از تاریخ را بلا تکلیف می گذارند. تاریخی که نه در تهران پایتخت که در شمال غرب کشور و سرزمین آذربایجان ایران و با ورود اولین مسیونرهای مذهبی فرهنگی آغاز شده است و دامنه هایش به تهران رسیده است.

دانش آموزان یک مدرسه ابتدایی دوران قاجاریه. عکس از آرشیو موسسه مطالعات تاریخ معاصر

آن چه در ادامه می خوانید از همین نقطه آغاز می شود. از نخستین مدارس مدرن ایران که در تبریز و بعدتر ارومیه راه اندازی شد. فضایی را به وجود آورد که بعد ها که بعدها مدارس بیشتری در ایران راه اندازی شود. مدارس که بخش مهمی از آن ها در چهار استان آذربایجان شرقی و غربی و اردبیل و قزوین و همچنین در زنجان و سایر شهرهای آذری نشین قرار دارد. نقطه شروعی که بخشی از داستان شکل گیری مدارس مدرن در ایران هم هست.

طلوع از غرب

تاریخ آموزش و پرورش مدرن ایران بدون هیچ تردیدی از غرب کشور و از آذربایجان ایران آغاز شد. این اصل کلی است که پیش از مرور مدارس این منطقه باید آن را به یاد داشته باشیم. این منطقه با قدرت گرفتن حکومت شیعی صفویه در قرن نهم هجری اهمیت تازه ای پیدا کرد. آذربایجان ایران محلی برای رویارویی دولت شیعی صفوی با خلافت سنی عثمانی بود و همین دلیلی که اولین پایتخت صفویان هم در همین منطقه انتخاب شد. با چنین اهمیتی بود که آذربایجان همیشه ایالت مهمی به شمار می رفت. منطقه ای که از جنگ های بزرگی آسیب های زیادی خورد، اما مقاومت کرد. هرچند بعد از جنگ های ایران و روس بخش شمالی این منطقه به روسیه واگذار شد. اما همچنان آذربایجان اهمیت خود را حفظ کرد و به ولیعهدنشین پادشاهی سپرده شد. با آمدن ثبات نسبی به ایران بعد از جنگ های ایران و روس بود که ایرانی ها به فکر جبران شکست های این دو جنگ بر آمدند و از همین جا بود که بار دیگر آذربایجان اهمیت پیدا کرد. چرا که نخستین بار در تبریز بود که سؤال از علت عقب ماندگی ایران مطرح

به نوشته منابع تاریخی اوژن بوره نخستین مسیونری بود که با خرج شخص خود در اوایل ژانویه ۱۸۳۹- برابر با دی ۱۲۱۷ شمسی با کمک هایی که قهرمان میرزا حاکم آذربایجان و ملک قاسم میرزا به او کرد، مرکزی به اسم دارالعلم شناسایی ملل در تبریز افتتاح کرد که هدفش اشاعه فرهنگ اروپایی در ایران و به تصور بوره، زدودن عقاید پوچ و خرافات و بر طرف کردن اشتباهات و عیوب عیسویان بود، اما این مرکز دوام چندانی نداشت و خیلی زود تعطیل شد. بعد از این مرکز بود که فکر راه اندازی یک مدرسه در تبریز افتاد. مدرسه ای که در روز یکشنبه ۲۶ خرداد ۱۲۱۸ برابر با سوم ربیع الثانی ۱۲۵۵ شانزده ژوئن ۱۸۳۹- با پنج دانش آموز شروع به کار کرد. این نخستین مدرسه مدرن در ایران بود که در شهر تبریز فعالیت خود را آغاز کرد. در باره این که محل این مدرسه دقیقاً در کدام محله تبریز قرار داشته، اطلاع چندانی در دست نیست اما از آن جایی که محله مارالان تبریز از گذشته دور محل اقامت ارمنه و مسیحیان این شهر بود، به نظر می رسد که مدرسه بوره در این محله افتتاح شد. خیلی زودتر از آن چه ملک قاسم میرزا و بوره تصور کنند تعداد دانش آموزان به دوازده نفر افزایش یافت. نکته جالب این بود که هر چند این مدرسه تحت آیین های مسیونر ژوئیت فعالیت می کرد، تنها تعداد کمی را نوجوانان مسیحی تشکیل می دادند و باقی از فرزندان خانواده های مسلمان مقیم تبریز بودند. به طور دقیق تر ۹ نفر از نخستین دانش آموزان مدرسه بوره مسلمان و سه نفر ارمنی بودند. این نسبت با وجود برخی سخت گیری هایی که خانواده های سنتی در ایران عصر قاجار وجود داشت، بسیار در خور توجه است. برخی پژوهشگران مانند هما ناطق معتقدند که علت استقبال خانواده های مسلمان و غیر کاتولیک ها از مدارس مسیونرهای لازاری یادگیری رایگان زبان فرانسه بود. این استقبال به حدی بود که چندی بعد از بازگشایی مدارس بوره، نخستین واژه نامه فرانسه - فارسی را برای این دانش آموزان چاپ کرد و نسخه زرکوب آن را برای محمد شاه فرستاد. البته در این مدرسه علاوه بر فرانسه، زبان های ترکی و ارمنی را در کنار درس های ریاضیات، جغرافی، فقیه اسلامی و فقیه مسیحی تدریس می کردند. مدرسه چهار معلم مسلمان ایرانی هم داشت و خود

زبان های اجنبی را بیاموزند. به همین دلیل هم از مسیوگاردن که از سوی ناپلئون به ایران آمده بود خواست تا معلمی را برای فرزندانش به ایران بفرستند. معلمی که نامش در منابع فرانسوی زبان و نامه ای آمده که محمدشاه به فرانسه نوشته بود اورا بانوی نجیبه نامید و نام اصلی اش این بود «مادام لایبیر»

این مادام فرنگی بیست سال در ایران ماند و به فرزندان عباس میرزا و بخصوص محمد شاه که ولیعهد بعدی بود فرانسه و تاریخ و جغرافیا آموخت. هرچند که هیچ کتاب تاریخی این را تایید نکرده. اما به نظر می رسد این خانم نخستین آموزگاری است که برای تدریس علوم جدید به ایران آمد و به دنبال خودش موجی از معلمین فرهنگی را به ایران آورد. خانم لایبیر در همه بیست سالی که در ایران بود در شهر تبریز دارالحکومه ساکن بود. او نه فقط به فرزندان ولیعهد، که به برادران او هم زبان فرانسه را آموخته بود. چرا که یکی دیگر از شاهزادگان فتحعلی شاه که مقیم ارومیه بود نیز فرانسه را پیش او آموخته بود: «ملک قاسم میرزا». کسی که البته به نخستین مسیونرهای فرانسوی که به فرقه لازاریست ها معتقد بودند اجازه داد تا بتوانند در تبریز بعد تر در ارومیه مدارس خود را داشته باشند.

نخستین مبلغان مذهبی یا مسیونرهای فرانسوی، بعد از عهدنامه فین کن اشتاین و بعد از جنگ های ایران و روس به ایران آمدند. از آن جا که می دانستند که می توانند از نایب السلطنه حمایت بگیرند، به منطقه آذربایجان غربی آمدند. آن ها به ویژه ارومیه را به عنوان مرکز فعالیتشان انتخاب کردند. در آن زمان بخشی از ارمنه و آشوریان ایران در منطقه ارومیه زندگی می کردند و این کار آن ها را برای تثبیت خود راحت تر می کرد.

ورود این مسیونرها به ایران اما همزمان شد با بستن قرار داد تیلست میان فرانسه و روسیه که در آن زمان مهمترین دشمن ایران بود. این قرارداد پایانی برای حضور ژنرال گاردان بود. اما فرانسوی هایی که بعد از قرارداد فین کن اشتاین به ایران آمده بودند در این جا ماندند و به جای تمرکز در بخش سیاسی به سوی فعالیت های فرهنگی رفتند و از این طریق توانستند حضور موفقی داشته باشند.

کوه سیر ارومیه آموزشگاهی را باز کنند که در نخستین روز هفت دانش آموز داشت و در روز دوم هفده نفر به آن ها اضافه شد. این هیئت دو سال بعد از آن مدرسه دخترانه ای را در این شهر راه انداختند که به نوعی می توان آن را نخستین مدرسه دخترانه ایران دانست که نامش در هیچ یک از منابع نیامده است. عده شاگردان این مدرسه ها در ۱۸۴۲ به ۲۶۲ نفر رسید که در ۱۸۴۵ چهل دانش آموز دختر در میانشان بود.

این مدارس توسط مسیونرها در اطراف ارومیه به سرعت گسترش پیدا کرد، به طوری که تا پایان سلطنت ناصرالدین شاه که نخستین مدارس ابتدایی از تبریز کارشان را آغاز کردند به بیش از ۱۰ مدرسه در همین منطقه آذربایجان رسیده بودند.

فارسی، انگلیسی، تاریخ، جغرافیا و حتی فقه اسلامی از درس هایی بود که در این مدارس تدریس می شد. در این مدارس نه تنها از بچه ها شهریه در یافت نمی شد که کمک هزینه تحصیلی هم به دانش آموزان داده می شد. این در مقایسه با تنها مدرسه دولتی و رسمی کشور در پایتخت یعنی دارالفنون یک اتفاق مهم بود.

بر اساس سالنامه هایی که از این مدرسه بدست آمده، سال تحصیلی از اول پاییز آغاز می شد تا عید ادامه پیدا می کرد. این مدارس در ابتدای سال تا آخر تابستان تعطیل بودند. اما تعطیلی مدرسه معنای تعطیلی تعلیم و ترتیب نبود و در این شش ماه معلمان در خانه های خودشان به دانش آموزان تدریس می کردند. هر شاگردی که به درجه ی علمی رسیده بود، بعد از مدتی به مدرسه کوه سیر می رفت. در مدارس این منطقه بیشتر شاگردان آشوری بودند اما شاگرد مسلمان هم در میانشان بود. با افزایش تعداد مدارس مسیونری در میان سالهای ۱۸۳۶ تا ۱۸۴۰ و نیاز به کتاب های درسی و تبلیغی، در ۱۸۴۰ به درخواست پرکینز از هیئت مسیونری آمریکایی چاپخانه سبک و قابل حملی به ارومیه منتقل شد. بعد از دستگاه چاپی که به تبریز آمده بود این دومین دستگاه چاپ کتاب در ایران بود.

در کنار هیئت تبلیغاتی لازیست ها، هیئتی تبلیغی از زنان راهبه از فرانسه به ایران رسید. هیئتی که در گسترش مدارس

بوره زبان فرانسه و ریاضیات در این مدرسه تدریس می کرد. آوازه مدرسه بوره آن چنان در همه تبریز پیچیده که به گوش مادر ولیعهد هم رسید و مهد علیا او را احضار کرد و وعده داد پسرش ناصرالدین میرزا خرد سال را برای آموختن زبان فرانسه به او بسپرد. هرچند این وعده هیچ نقت علمی نشد اما بوره توانست از این طریق نظر شاه را نیز به خودش جلب کند و این اجازه را به او داد تا در هر جایی که بخواهد مدرسه باز کند.

بوره در ازای دریافت مکانی برای تاسیس مدرسه حاضر شد بیست جوان برگزیده را آموزش دهد. با این همه نظر مثبت، اما در نهایت مدرسه بوره در حالی که ۴۰ دانش آموز داشت تعطیل شد. البته بعدها این مدرسه توسط مسیون آمریکایی مموریال بار دیگر راه اندازی شد و یکی از مهمترین مدارس تبریز تا زمان مشروطه به شمار می آمد. مدرسه مموریال در محل کلیسای پروستانی انجیلی در محدوده خیابان شریعتی جنوبی تبریز قرار داشت. این مدرسه خیلی زود در میان خانواده های مسلمان نیز طرفدارانی پیدا کرد. همزمان با مشروطه معلمی جوان از آمریکا به اسم هوارد باسکرویل به ایران آمد که خیلی زود به مجاهدان پیوست و با آموزش نظامی به دانش آموزش توانست در میان آن ها جا باز کند. باسکرویل در جریان مبارزات مردم تبریز برای بازگرداندن مشروطه در ۳۱ فروردین ۱۲۸۸ در محله شنب غازان تبریز درگذشت.

بوره اما بعد از تعطیل مدرسه از تبریز به سمت ارومیه و سلماس و خسروآباد رفت که ملک قاسم میرزا در آن جا حاکم بود و زمینه تاسیس مدارس را در آن جا فراهم کرده بود.

البته بعد از رفتن بوره از تبریز هیئت دیگری به ایران آمد که هیئت دوسرسی به ریاست فلیکس ادوارد دوسرسی معروف بود و در ژانویه ۱۸۴۰ وارد تبریز شد و بعد از ملاقات با قهرمان میرزا و ملک قاسم میرزا ناصرالدین شاه به سمت تهران رفتند. هرچند این سفر در آستانه نزدیک شدن به تهران به سمت اصفهان تغییر مسیر داد.

همزمان با تلاش این گروه برای راه اندازی مدارس در تهران و اصفهان که با شکست روبه رو شد، در ارومیه هیئت پروتستان های آمریکایی سرپرستش پرکینز توانستند در منطقه

این مدارس بر خلاف تصور بسیاری از مورخان در منطقه آذربایجان گسترش پیدا کرد. به طوری که در زمان ترور ناصرالدین شاه مدارس ارومیه عبارت بودند از: «شبانه روزی پسران ۶۰ شاگرد، مدرسه پسرانه خسروآباد ۱۹۰ شاگرد، مدرسه پتاور ۶۰ شاگرد، مدرسه گلزان ۱۱ شاگرد، مدرسه اولا ۱۱ شاگرد، مدرسه کولان ۴۰ شاگرد، مدرسه جمال آباد ۱۱ شاگرد، مدرسه جولاق ۲۰ شاگرد، شبانه روزی دخترانه ارومیه ۳۳ شاگرد، مدرسه دخترانه ارومیه ۸۰ شاگرد، دومین مدرسه دختران ۷۰ شاگرد، دخترانه پتاور ۴۸ شاگرد، دخترانه گلزان ۱۲ شاگرد، دخترانه اولا ۱۱ شاگرد، دخترانه کولان ۳۵ شاگرد، دخترانه جمال آباد ۱۴ شاگرد.

ادامه دارد

دخترانه کمک زیادی کردند. این هیئت به اسم هیئت «دختران سن و نسان دوپل» معروف بود که به «خواهران نیکوکار» آن ها را می شناختند. هیئت خواهران نیکوکار هم برای اولین بار در ارومیه کار خود را آغاز کردند و مدرسه شان را افتتاح کردند و بعد از آن به شهرهای دیگری رفتند و آموزشگاه های شبانه روزی را برای دختران راه اندازی کردند. نکته قابل توجه در مدارس که خواهران نیکوکار راه انداختند این بود که در این مدارس تنها دختران مسیحی آموزش نمی دیدند و مسلمانان هم دخترانشان را به این مدارس می سپردند تا خواندن و نوشتن، زبان فرانسه، اندکی تاریخ جغرافیا، خیاطی، اتوکنشی و غیره بیاموزند.

کمیتة مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان...

۵. فریدون ابراهیمی بعنوان دیپلمات اولویت‌های مقالات ارائه شده در مسابقه
- همه جانبه نگری در موضوع تهیه مطلب و دیدگاه‌های شخصی
- استفاده از وقایع و منابع تاریخی و خاطرات شاهدان زنده.
- از تحقیق و رساله اشخاص دیگر، بدون ذکر منبع استفاده نشده باشد.
- سلیس نوشتن و روان بودن مطلب.
- مقالات می توانند به زبانهای فارسی، ترکی آذربایجانی، روسی و انگلیسی باشند. محدودیتی در این مورد نیست. حجم مقاله نباید بیشتر از ۹ الی ۱۱ هزار اشاره یا حرف باشد.
- مقاله باید عنوان "شرکت در بزرگداشت صدمین زادروز فریدون ابراهیمی" داشته باشد.
- مطلب و مقاله باید توسط نویسنده در پاکتی دربسته، به آدرس باکو - خیابان علی بیگ حسین زاده - پلاک ۶۶ (Bakı ۶۶) (66) Əlibəy Hüseynzadə, şəhəri, təhvil və ya az طریق آدرس اینترنتی نویسنده به آدرس info@adfmk.com ارسال گردد.

نویسنده مقاله باید مدارک ذیل را ارائه نماید:

۱. ارزش گذاری به شخصیت و خدمات شهید فریدون ابراهیمی به عنوان سنبل یک نسل از مبارزان، ارزش گذاری به همه مبارزانی است که برای سعادت و خوشبختی مردم جنگیدند و جان خود را در این راه دادند. پرداختن به زوایای زندگی کوتاه، اما پر بار شهید فریدون ابراهیمی بدون شک نسل جوان و انقلابی کشورمان را با تجربه ای مهم و موثر مواجه خواهد کرد.
- از همه رفقا، دوستان و یارانی که مایلند در این مسابقه علمی - تحقیقی شرکت کنند، که مقالات خود را از تاریخ ۰۱/۰۹/۲۰۱۸ الی ۲۰/۱۰/۲۰۱۸ برای شرکت در مسابقه ارسال کنند. در همین موضوع مقاله هایی که قبلا در رسانه ها و مطبوعات نشر پیدا کرده اند. در صورتیکه چارچوب های لازم را دارا باشند، حق شرکت در مسابقه را دارند.
- موضوعات پیشنهادی:

۱. فریدون ابراهیمی بعنوان یکی از برجسته ترین روشنفکران سیاسی اجتماعی سده بیستم.
۲. نقش و خدمات فریدون ابراهیمی در تهیه مصوبه های حقوقی، حکومت ملی آذربایجان و نقش وی در اصلاحات حقوقی.
۳. فریدون ابراهیمی بعنوان یک روزنامه نگار.
۴. نقش ویژه فریدون ابراهیمی در حقوق بین الملل

جوایز همایش به شرح ذیل می باشد:

۱. به سه مقاله برتر مولفین در جمهوری آذربایجان جایزه داده خواهد شد.

۲. به سه مقاله برتری که از دیگر نقاط رسیده است، جوایز ویژه ای تعلق خواهد گرفت.

۳. از سوی هیئت داوران مسابقه برای مولفینی که در مقاله خود به نکات ویژه ای توجه کرده اند، جوایزی در نظر گرفته شده است.

۴. هیئت داوران مقالاتی برگزیده را، بصورت یک مجموعه در کتابی بنام "صدمین زادروز شهید فریدون ابراهیمی" 100 - Firidun İbrahimi منتشر خواهد کرد.

توجه: به کلیه افرادی که مایل به شرکت در همایش هستند، توصیه می شود، در صورت لزوم از منابع در سایت www.adfmk.com واز روزنامه های مهاجر و آذربایجان استفاده کنند

اسامی برندگان مسابقه در همایش بین المللی که تا تاریخ ۲۰۱۸/۱۱/۲۱ در مرکز همایشهای بین المللی Beynəlxalq Mətbuat Mərkəzi شهر باکو برگزار می شود، اعلام خواهد شد.

در صورت توضیحات بیشتر و سؤال های شما، می توانید به تلفن های زیر مراجعه نمایید.

- راههای تماس با مولف: شماره تلفن محل کار و موبایل (اگر ارائه مقاله با ارسال از طریق آدرس اینترنتی انجام گرفته باشد باید در برنامه Word و با حروف Times New Roman تحریر شده باشد)
- اگر مقاله و مطلب ارسالی قبلا چاپ شده است یک نسخه از روزنامه و یا مجله ای که مقاله در آن نشر شده است، به همراه آن تحویل داده شود. (اگر ارائه مقاله از طریق آدرس اینترنتی صورت می گیرد. نسخه چاپ شده در فرمت پی دی اف ارائه شود.)
- اگر مطلب مورد نظر در رسانه الکترونیکی درج شده باشد. لینک آن ارسال شود.
- مقاله در فرمت A4 در یک طرف صفحه تایپ شده باشد. (در صورت ارسال از طریق آدرس اینترنتی در فایل Word باشد.) در صورت لزوم نام و مشخصات مولف محفوظ خواهد بود.
- آدرس اینترنتی info@adfmk.com برای ارسال مقالات و احیانا پرسش های شما.
- مقالات و نوشته های خود را می توانید از تاریخ ۲۰۱۸/۰۹/۰۳، در روزهای دوشنبه تا شنبه از ساعت ۱۱:۰۰ الی ۱۷:۰۰ به آدرس باکو - خیابان علی بیگ حسین زاده - پلاک ۶۶ تحویل دهید.
- در صورت عدم رعایت شرایط ذکر شده، مطلب ارسالی برای شرکت در مسابقه پذیرفته نمی شود.

اصل ۳- آذربایجانین ابتدایی مکتبیرینده اوچ کلاس قدر درس لر فقط آذربایجان دیلینده آپاریلمالیدیر و اوچ کلاس دان یوخاری دولت دیلی اولماق اوزره فارس دیلیده آذربایجان دیلی ایله یاناشی تدریس اندیلیمه لیدیر. آذربایجاندا ملی دارالفنون تشکیلی دموکرات فرقه سینین اساس مقصدلریندن بیریری دیر.

اصل ۴- آذربایجان دموکرات فرقه سی صنایع و فابریکالارین گنیشلنمه سینه جدی چالیشاجاق و سعی انده جک کی، موجود فابریکالاری تکمیل انتمکله برابر ایشسیزلیگی رفع انتمک اوچون ال و ماشین صنایعینی گنیشلندیرمک اوچون وسیله لر یارادیب تازه فابریکالار وجوده گنیرسین.

اون ایکی شهر یور بیانیه سی...

اصل ۱- ایرانین استقلال و تمامیتینی ساخلاماقلا برابر آذربایجان خالقینا داخلی آزادلیق و مدنی مختاریت و نرلیمه لیدیر کی، انده بیلسین اوزونون فرهنگی یولوندا و آذربایجانین آبادلاشماسی و ترقی سی اوچون عموم مملکتین عادلانه قانونلارینی گوزله مکله برابر اوز سرنوشتینی تعیین انتسین.

اصل ۲- بو منظوری حیاتا کنچیرمک اوچون چوخ تنزلیکله ایالت و ولایت انجمنلرینی انتخاب اندیب ایشه باشلامالیدیر. بو انجمنلر فرهنگی، بهداشتی و اقتصادی ساحه سینده فعالیت گوسترمکله برابر قانون اساسی موجبینجه تمام دولت ایشچیلرینین عملیاتینی تفتیش اندیب اونلارین تغییر و تبدیلینده اظهار نظر انده جکدیر.

دموکرات فرقه سینین اساسنامه سینه موافق اولاراق کندیلیرین اختیارینا وئرلمه لیدیر. بیز اوزلرینین عیش و نوشیندان اوتری آذربایجانین ثروتینی خارجه آپارانلاری آذربایجانلی حساب ائتمیریک. اگر اونلار آذربایجانا قایتماقدان امتناع ائتسه لر، اونلار اوچون آذربایجاندا بیر حاق قائل دییلیر. بوندان علاوه فرقه چالیشاجاق کی، چوخ سهل و ساده بیر صورتده آذربایجان کندیلیرینین اکثریتی تورپاق و اکین آلتلی جهتن تامین ائتسین.

اصل ۸ - دموکرات فرقه سینین مهم وظیفه لریندن بیری ده ایشیزلیک له مبارزه ائتمکدیر. ایندین بو خطر چوخ جدی بیر صورتده اوزونو گوسترمکده دیر. گلجکده بو سنل گوندن - گونه قوتله نه جکدیر. مرکزی دولت و محلی مامورلار طرفیندن بو خصوصدا هچ بیر ایش گورولمه میشدیر. اگر ایش بو منوال ایله داوام اندرسه، آذربایجان خالقینین اکثریتی فنا بیر حالا دوشمه یه محکوم دور. فرقه چالیشیر بو خطرین قاباغینی آلق اوچون جدی تدبیرلر گورولسون. هله لیک فابریکلارین تاسیسی، تجارتین گنیشلنمه سی، اکینچی تشکیلاتلارین تاسیس اندیلمه سی، دمیر و شوسه یوللارین چکیلنه سی کیمی تدبیرلر، ممکندور بیر قدر فایدالی اولسون.

اصل ۹ - انتخابات قانوندا آذربایجانین حقیقده بویوک ظلم اندلمیشدیر. دقیق اطلاعاتا گوره بو اولکه ده دورت میلیوندان یوخاری آذربایجانلی یاشاماقدادیر. بو غیر عادلانه قانون موجبجه آذربایجانا مجلس شورای ملی ده، ۲۰ وکیل یئری وئرلمیشدیر. بو قطعیا متناسب بیر بولگو دیلیدیر. آذربایجان دموکرات فرقه سی سعی انده جک آذربایجان نفوسونا نسبت وکیل انتخاب ائتمه حاقی اولسون. بو تقریبا مجلس نماینده لرینین اوچده بیرینی تشکیل انده بیلر. آذربایجان دموکرات فرقه سی مجلس انتخاباتینین مطلقا آزاد اولماسی طرفداردیر. او، دولت ایشچیلرینین داخلی و خارجی همچین پوللورلارین قورخوتماق و آلتماق یولو ایله انتخابات ایشینه قاریشمالارینا جدا مخالفت انده جکدیر. انتخابات گرک تمام ایراندا آن واحده باشلانیب، چوخ سریع بیر صورتده قورتارسین.

اصل ۱۰ - آذربایجان دموکرات فرقه سی فاسد، مختلس و رشوه آلان شخصلر ایله کی دولت اداره لرینه سوخولموشلار، جدی مبارزه انده جک و دولت مامورلاری آراسیندا صالح و

اصل ۵ - تجارتین گنیشلنمه سین، آذربایجان دموکرات فرقه سی چوخ لازم و جدی مسئله لردن حساب اندیر. بو گونه قدر تجارت یوللارینین باغلی قالماسی چوخلو کندیلیرین، مخصوصا باغدارلارین و خرده مالکترین ثروتلرینین اللریندن چیخماسینا و اونلارین دینچی حالینا دوشمه سینه سبب اولموشدور. بونون قاباغینی آلق مقصدی ایله دموکرات فرقه سی بازار تاپماق و آذربایجان امتعه لرینین خارجه چیخارلماسی اوچون ترانزیت یوللاری آخترماق ایشینه جدی اقدام ائتمه گی و بو وسیله ایله عمومی ثروتین نقصانینین قاباغینی آلماسی نظرده توتموشدور.

اصل ۶ - دموکرات فرقه سینین اساس مقصدلریندن بیرده آذربایجان شهرلرینین آبادلاشماسیدیر. بو مقصودا چاتماق اوچون فرقه سعی انده جک کی، چوخ تنزلیکله شهر انجمنلرینین قانونو تغییر تاپیب شهر اهالیسینه مستقل بیر صورتده شهرین آبادلیغینا چالیشیب اونلاری آبرومند و معاصر حالا سالمق امکان وئرلیسین. مخصوصا تبریز شهرینین سو ایله تامین اندیلنه سی آذربایجان دموکرات فرقه سینین چوخ فوری جاری مسئله لریندندیر.

اصل ۷ - آذربایجان دموکرات فرقه سینین موسسلی گوزل بیلیرلر کی، مملکتین ثروت تولید اندنی و اقتصادی قوه سی کندیلیرین قوتلی قولدور. اونا گوره بو فرقه انده بیلیم کی، کندچیلر آراسیندا وجوده گلن حرکتی نظره آلماسین. بونا گوره ده فرقه سعی انده جکدیر کی، کندیلیرین احتیاجلارینی تامین ائتمک اوچون اساسلی قلمر گوتورولسون. مخصوصا کندلی ایله اربابلارین آراسیندا معین بیر حدود تعیین ائتمک و بعضی اربابلار طرفیندن اختراع اندلمیش غیر قانونی وئرگیلرین قاباغین آلق دموکرات فرقه سینین فوری وظیفه لریندندیر. فرقه سعی انده جک بو مسئله انله بیر صورتده حل اندیلسین کی، هم کندیلیر راضی قالسین و همده مالکله اوزلرینین گلجگیندن اطمینان حاصل اندیب، رغبتله کندلرینین و اوز مملکتلرینین آبادلیغینا چالیشسینلار. خالصه تورپاقلاری و آذربایجانلی ترک اندیب قاچان و آذربایجان خالقین زحمتینین محصولونو تهراندا و سایر شهرلرده مصرف اندن اربابلارین تورپاقلاری، اگر تنزلیک ایله آذربایجانا مراجعت ائتمه سه لر،

بودور دموکرات فرقه سینی یارادانلارین اصل مقصدلری •
بیز امیدواریق کی، هر بیر وطن پرست آذربایجانلی ایستر
آذربایجانین داخلینده و یا آذربایجاندان خارجه بو مقصد
مقصد چاتماق اوچون بیزیمله همصدا و ال بیر اولاجاقدیر.
طبیعی دیر کی، انسان اول اگر اوز انوینی اصلاح انتمه سه
محلّه، شهر و یا مملکت اوچون ایشله یه بیلمز. بیز اول اوز
انومیز اولان آذربایجاندان باشلابیرق و اینانیریق کی،
آذربایجانین اصلاح و ترقی سی ایرانین ترقی سینه سبب
اولاجاقدیر و وطنیمیز بو واسطه ایله قولدورلارین و
مرتجعلرین چنگالیندان نجات تاپاجاقدیر •

یاشاسین دموکرات آذربایجان؛

یاشاسین مستقل و آزاد ایران؛

یاشاسین ایران و آذربایجان آزادلیغینین حقیقی مشعلداری اولان
آذربایجان دموکرات فرقه سی •

اون ایکی شهریور ۱۳۲۴ - جی ایل

درستکار شخصلردن قدردانلیق انده جک. مخصوصا فرقه
چالیشاجاق اولارین معاشلاری و زندگانلیق شرایطلری انله
اصلاح اولسون کی، اولار اوچون اوغورلوق و خیانت انتمه
گه بهانه قالماسین. اولار انلیه بیلسینلر کی، اوزلری اوچون
آبرولی حیات وجوده گنیرسینلر •

اصل ۱۱- دموکرات فرقه سی سعی انده جک آذربایجاندا
آلینان وئرگیلرین یاریسیندان یوخاریسی آذربایجانین اوز
احتیاجلارینا صرف اندلسین و غیر مستقیم وئرگیلر جدی
صورتده آزالسین •

اصل ۱۲- آذربایجان دموکرات فرقه سی بوتون دموکراتیک
دولتله، مخصوصا متفقله دوستلوق ساخلاماق طرفداریدیر و
بو دوستلوق دوام ائتدیرمک اوچون چالیشاجاق مرکزده و
شهرلرده ایران ایله متفق دموکراتیک دولتله آراسیندا
دوستلوق پوزماق ایسته یین خائن عنصرلرین اللرینی
اجتماعی، سیاسی و دولتی ایشلردن کنار ائتسین •

مراسم بزرگداشت انتشار بیانیه 12 شهریور...

عنوان یک روز تاریخی و پایه گذار یک حرکت مدرن برای رهایی
کشور از عقب ماندگی و استبداد هر سال گرامی داشته می شود.
مردم ایران بخصوص آذربایجانی های مترقی و آزادیخواه، این روز
را به اشکال ممکن پاس می دارند.

به همین خاطر و به پاس گرامی داشت انتشار بیانیه 12 شهریور،
آذربایجانی های مقیم جمهوری آذربایجان بویژه اعضاء و هواداران
فرقه دمکرات آذربایجان، روز دهم اردیبهشت در شهر باکو گرد هم
آمدند. در این گردهمایی که تعدادی از نمایندگان رسانه های محلی
نیز شرکت داشتند. در این نشست پیرامون شرایط عینی و ذهنی
تشکیل فرقه دمکرات آذربایجان، بیانیه 12 ماده ای 12 شهریور و
انطباق آن با خواست میرم مردم در آن زمان و حتی امروز، اوضاع
سیاسی - اقتصادی روز کشور و ... سخنانی گفته شد. دو تن از
شرکت کنندگان به عنوان شاهدان زنده خاطراتی از شور و حال و
مبارزات مردم پس از انتشار بیانیه 12 شهریور به اطلاع جمع
رساندند که به شدت مرد تشویق قرار گرفت.

در پایان به اطلاع رسید که به خاطر 100 سالگی تولد شهید فریدون
ابراهیمی در اواخر آبان ماه سال جاری بزرگداشتی بر گزار می
شود. در مورد کم و کیف این بزرگداشت، بزودی اطلاع رسانی
خواهد شد.

سال پیش سید جعفر پیشه وری و تعدادی از انقلابیون، روشنفکران،
روزنامه نگاران و معتمدین مردم، تصمیم گرفتند حزبی را تاسیس
کنند که نه تنها ادامه دهنده راه حیدر عموآغلی، ستارخان، باقرخان
و شیخ محمد خیابانی باشد، بلکه به نیاز های میرم روز نیز پاسخ
دهد. به همین خاطر روز 12 شهریور 1324 پیشه وری و یارانش
با انتشار بیانیه 12 ماده ای به این مهم تحقق بخشیدند. بدین ترتیب
فرقه دمکرات آذربایجان تاسیس شد. انتشار بیانیه شور و شوق غیر
قابل تصویری در شهر و روستا بوجود آورد. سیل عظیمی از برای
پیوستن به تشکیلات فرقه براه افتاد. جریانات سیاسی از جمله
تشکیلات حزب توده ایران در آذربایجان و جمعیت آذربایجان در
حمایت از اهداف فرقه که در بیانیه بازتاب پیدا کرده بود، به
تشکیلات فرقه پیوستند. چندی نگذشته بود که اعضای فرقه دمکرات
آذربایجان از مرز دویست هزار نفر گذشت. این روند سرانجام به
تشکیل دولت خودمختار آذربایجان در 21 آذر 1324 انجامید.

از آن تاریخ 73 سال می گذرد. حکومت ملی آذربایجان پس از یک
سال توسط عوامل انگلیس و آمریکا و ارتجاع داخلی به شکل
وحشیانه ای سرکوب شد. اهداف و آرمان های مردم آذربایجان که
در بیانیه 12 شهریور 1324 تبلور یافته بود، پاسخ نگرفت. 73 سال
است که مبارزه برای تحقق برحق خلق آذربایجان که خواست همه
خلق های ایران است، ادامه دارد. به همین خاطر 12 شهریور به

گوشه هایی از تاریخ معاصر ایران

رسول مهربان

جنبش دموکراتیک آذربایجان و دولت انقلابی پیشه‌وری / بخش هشتم
5- تشکیل کابینه سیاه قوام و مقدمات حمله و هجوم به آذربایجان

محمود خان دوالغاری



7- اعزاز نیک پی - وزیر پست و تلگراف و تلفن با حفظ مقام معاونت نخست وزیری
8 - صادقی- وزیر راه
9 - دکتر سید علی شایگان- وزیر فرهنگ
10 - موسوی زاده - وزیر دادگستری
11 - محمد ولی میرزا فرمانفرمایان- وزیر کار و تبلیغات 3
و از این تاریخ حمله و هجوم علنی به جنبش دموکراتیک آذربایجان و کردستان علنی شد و کشورهای امپریالیستی آمریکا و انگلیس به دربار و دولت قوام برای شروع حمله به آذربایجان همه گونه وعده و اطمینان دادند، و حمله به آذربایجان و زیر پا گذاشتن آن همه تعهدات صریح درباره ی جنبش دموکراتیک آذربایجان توسط دولت قوام، فقط به منظور سرکوبی جنبش ملی و دموکراتیک سرتاسر ایران اجراء شد. زیرا وجود و دوام و بقای جنبش دموکراتیک و ملی آذربایجان حتی در قالب و چهارچوب انجمن ایالتی و ولایتی میتوانست، سرتاسر ایران را به پایگاه محکمی علیه استعمار و استبداد تبدیل کند و این با منافع گسترده ی امپریالیستی در کل منطقه و هیئت حاکمه در ایران معارض و منافی بود. برای حفظ چنین منافع عظیمی، امپریالیسم حاضر به همه گونه جنایت و جنگ گسترده و تجزیه ی مناطق نفتی و حساس ایران و ایجاد سرپل هایی برای حمله به اتحاد جماهیر شوروی بود، و به هر صورت توانایی انجام آن را داشت. جرج آلن، سفیر آمریکا در ایران با بیشرمانه ترین وجه ی نهضت 21 آذر را تهدید کرد و از دست نشانندگان

ناصرخان قشقایی در این روزهای حمله ی ارتجاع به دموکراسی، یار شایسته و قدرتمندی برای دربار پهلوی شد، و توانست نقش خود را به خوبی بازی کند و به قوام السلطنه اولتیماتوم دهد که اگر «تا غروب اول مهر تکلیف فارس معلوم نشود، و کابینه ترمیم نشود و عمال ناصالح محاکمه نشوند، هر اتفاقی روی دهد ما مسئول نیستیم» 1. و بالاخره در مقابل هجوم علنی ایل قشقایی و بختیاری به مؤسسات اجتماعی فارس و غارت اموال مردم و آتش زدن کلپ های حزب توده ایران در فارس و اصفهان، قوام السلطنه و باند ارتجاعی او در کابینه حمایت و تایید خود را به شورشیان فارس توسط سرلشگر زاهدی اعلام داشتند، و شورش خرابکارانه و غارتگرانه ی فارس تحت عنوان فریبنده ی «نهضت فارس» که بنا بر نوشته روزنامه ی داد «جز خرابی و غارت اموال کشاورزان حاصلی نداشت» 2 مورد تائید قوام قرار گرفت و به سرعت ابعاد توطئه های باند ارتجاعی قوام به رهبری و فرماندهی عوامل بیگانه و مامورین سفارت آمریکا و سرلشکر زاهدی مشخص شد. وزرای احزاب موافقه به عنوان اعتراض از کابینه قوام بیرون رفتند و دست قوام برای اجرای نقشه های خود کاملاً باز و آزاد شد و همه نیروهای مرتجع متمرکز دربار و باند سید ضیاء الدین طباطبایی مجدداً به دور قوام السلطنه جمع شدند و به فاصله ی دو روز کابینه ی جدیدی که مامور اجرای نقشه های تجاوزکارانه ی قوام به نهضت آذربایجان شده بود، با همکاری و عضویت افراد زیر به شاه معدوم معرفی شد:

- 1- قوام السلطنه - نخست وزیر و وزیر کشور و وزیر خارجه
- 2- سپهبد امیر احمدی - وزیر جنگ
- 3- حمید سیاح - وزیر بازرگانی و پیشه و هنر
- 4- عبدالحسین هژیر - وزیر دارایی
- 5- دکتر اقبال - وزیر بهداری
- 6- شمسالدین امیرعلایی- وزیر کشاورزی

به غارت بردند، دام ها را زدیدند. ارتش از زیر هرگونه کنترل دررفت. رسالتش نجات دادن بود، ولی به غارت مردم غیرنظامی پرداخت و کشته ها و ویرانی ها پشت سر نهاد. زندان ها مملو از آذربایجانی های بیگناه است، چوب های دار و اعدام فراوان است با ناسیونالیست ها نیز بدرفتاری می شود. دهقانان بیچاره را که برای دمکرات ها ابراز علاقه کرده بودند، در معرض توهین قرار دادند. یک دهقان پیر آذربایجانی به ما چنین گفت: مال و حیثیت ما را پایمال کردند، آثار این حوادث جگرسوز هرگز از خاطر آذربایجانی ها زوده نخواهد شد». 4. اخبار جراید تهران با همه ی سانسوری که بلافاصله پس از شکست جنبش آذربایجان برقرار شد، ارقام وحشتناکی به دست می دهد. روزنامه ی داد تحت عنوان «حکومت نظامی در تبریز- کشتار ششصد نفر از دمکرات های آذربایجان» و «اعزام هیئت به آذربایجان برای تشکیل ادارات دولتی» 5 گوشه هایی از جنایت را برشمرد. ماشین کشتار و جنایت ارتش و دولت به کار افتاد. قتل عام های دسته جمعی شروع شد. از طرف وزرات دادگستری آقای عبدالعلی لطفی مدیر کل بازرسی وزرات دادگستری، به سمت ریاست دادگستری آذربایجان منصوب شد، 6 تا احکام کاملاً قانونی برای تصرف و اعاده ی مالکیت خان ها و سرمایه دارانی که در پناه اوباش مسلح و ارتش شاهنشاهی به محل آمده اند، صادر نماید*.

کشتار و قتل عام نیروهای دموکراتیک جامعه فقط در آذربایجان محدود نماند. همان جنایات در سراسر مناطق گردنشین به ویژه در مهاباد و کرمانشاه تکرار شد و در مازندران همه ی سندیکاها ی کارگری و شعب حزب توده ایران مورد حمله و هجوم ژاندارمری و افراد مسلح قادیکلاهی و یمین اسفندیاری قرارگرفت و خلعت بری ها و قنبرخان چهاردهی و اکبرخان و خانواده ی پر شاخ و برگ صوفی و امینی لنگرودی و خان های طوالتش مانند عزت الملوك ساسانی و باقیمانده های ضرغام السلطنه و نوکرهای حاج آقا رضا رفیع در سرتاسر گیلان به جنایاتی دست زدند که یادآور حمله ی مغول و چنگیز بود. 7 گفتنی است ستون تحت فرمانده ی سرهنگ مقبلی که از گیلان و جاده ی انزلی- آستارا به طرف آذربایجان در حرکت بود، این جنایتکاران و خان های

خود در ایران خواست که آن را در نطفه خفه کنند. امپریالیسم انگلیس در بندر بصره نیرو پیاده کرد. خطر اشغال مناطق جنوبی ایران، خاصه مناطق نفت خیز ایران از طرف نیروهای مسلح بریتانیای کبیر بیشتر شد. مسئله ی آذربایجان که صد درصد یک امر داخلی ایران بود، با مداخله، تحریک و دستور علنی امپریالیسم آمریکا به شورای امنیت سازمان ملل متحد کشانده شد. امپریالیسم و ارتجاع ایران با وارونه جلوه دادن خصلت دموکراتیک نهضت آذربایجان خواستند آن را بهانه ای برای مبارزه علیه نه تنها آزادیخواهان ایران، بلکه علیه نهضت انقلابی جهانی و پیشروترین گردان آن یعنی اتحاد شوروی قرار دهند.

ارتش ایران که کاملاً در ید قدرت مستشاران نظامی آمریکا (براساس قراردادهای دوجانبه ساعد- دریفوس) و جرج آلن قرارداشت، و ژاندارمری ایران که این زمان تحت فرماندهی ژنرال شوارتسکف آمریکایی بود، مناسبترین اهرم برای اجرای چنین حرکت های تجاوزکارانه ای شد. حمله و هجوم نظامی به آذربایجان زیر بهانه ی «فراهم کردن مقدمات انتخابات دوره ی پانزدهم و تأمین آزادی انتخابات» آراسته و پیراسته شد و هیجانانگیز میهن پرستانه و ناسیونالیستی و همراهی های مذهبی سلطان الواعظین های درباری، بدرقه راه تجاوزگران گردید. آنچه به دست آمد، تحکیم منافع انگلیس و آمریکا در ایران و لغو قراردادهای همکاری ایران و شوروی بود. در این رهگذر به قیمت خونه ای بیشماري که ریخته شد، زمین های تقسیم شده و اراضی خالصه تحت تصرف کشاورزان، و موقوفات بزرگ تحت تصرف و استفاده ی کشاورزان آذربایجانی، مجدداً به دست مالکین و سرمایه داران و روحانی نمایان موقوفه خوار فراری که اینک به صورت قهرمانان ملی در پناه ایلات مسلح ذوالفقاری و یمین افشار و جمشیدخان اسفندیاری و ملک قاسمی ها ظاهر میشدند، افتاد. در خط سیر ارتش شاهنشاهی به آذربایجان جز جنایت و وحشت و خرابی چیزی به جای نماند. به قول ویلیام دوگلاس قاضی آمریکایی که پس از «فتح آذربایجان!» به تبریز رفت، «ارتش ایران، ارتش رهایی بخش در مسیر خود آثار خشونت بر جای گذاشت. ریش دهقانان را آتش زدند. به ناموس زنان و دختران آنان تجاوز کردند، اموال خانه ها را

7- حاصل کار لشکرکشی به آذربایجان، سلطه ی مجدد مالکان بزرگ آذربایجانی مانند ذوالفقاری- یمین افشار- اسلحه دارباشی- امیر نصرت اسکندری- شاهزاده ملک قاسمی- آصف مقدم (ورثه ی صمدخان مراغه ای)- حاج علیلو سردار عشایر- مجتهدی ها و امثالهم بود. دولت و دربار پهلوی دوم پس از اعدام 2500 نفر در محاکم نظامی و 7000 نفر کشته به دست اوباش مسلح تحت فرمانده ی ابوالقاسم جوان و حمیدیه و بهادری (از نوه های سردار بهادر وزیر جنگ محمدعلی شاه) و 8000 نفر زندانی و 70000 نفر پناهنده به اتحاد شوروی، توانست آذربایجان و کردستان را به زیر سلطه ی خونتای نظامی درآورد. آخرین بازمانده ی زندانی های آن حمله ی نظامی، زنده یاد صفر قهرمانیان بود که پس از سی و دو سال زندان، در انقلاب 22 بهمن 1357 از زندان رهایی یافت و قهرمان ملی نام گرفت و یادش جاودانه است. آمار و ارقام این فاجعه از صفحه ی 276 کتاب «از سید ضیا تا بخنبار» نوشته ی مسعود بهنود چاپ هفتم 1377 نقل و اقتباس شده است.

محلی را مورد حمایت و تقویت قرار میداد. این چنین نهضت دموکراتیک آذربایجان و جریان دموکراسی سراسری ایران مورد حمله و تجاوز گسترده ی ارتجاع داخلی و امپریالیسم متحده ی آمریکا و انگلیس قرار گرفت.

1- روزنامه ی داد، شماره ی 843، مورخه ی 2 مهرماه 25
2- روزنامه داد شماره 874 مورخه ی 25/8/8
3- روزنامه ی داد، شماره ی 865، مورخه ی 28 مهرماه 1325

4- مجله ی دنیا، آبان 1354، ص 20، مقاله ی حسین جودت
«21 آذر یگ روز تاریخی در جنبش انقلابی ایران»

5- داد، ستون اخبار، مورخه ی 23 آذر ماه 1325

6- داد، ستون اخبار، مورخه ی 23 آذر ماه 1325

*آیا دکتر مصدق از این سابقه شیخ علی لطفی و سابقه ننگین و جابرانه او بر ریاست دادگاه 53 نفر بی خبر بود که چنین شخصیت سرسپرده به دربار و امپریالیسم را در کابینه ملی خود جای داد. آن وقت انتظار داشت که حزب توده ایران و روشنفکران مبارز کابینه او را تأیید کنند؟!

جمهوری اسلامی سه زندانی سیاسی را اعدام کرد



زندانی سیاسی را قتل عام کردند. اگر به این خبر حمله موشکی امروز سپاه پاسداران به مقر حزب دمکرات کردستان نیز صحت داشته باشد، تراژدی جدیدی در حال اتفاق است که جدا نگران کننده است. این آتش افروزی ها و زیر پا گذاشتن ابتدایی ترین حقوق دگر اندیشان، اقلیت های دینی، ... و خلق های ساکن کشور، آنهم در شرایطی که منطقه در آتش جنگ می سوزد و هر آن می تواند به کشور ما سرایت کند. این کار جنایتی است نا بخشودنی، که باید به هر شکلی جلو آن گرفته شود و اوامر و عوامل آن مجازات شود.

هم زمان مقر حزب دمکرات کردستان مورد حمله موشکی قرار گرفت و دست کم 11 نفر کشته و دهها نفر زخمی شدند. گرچه هنوز کسی مسئولیت این حمله را نپذیرفته، اما همه شواهد حاکی از آن است که سپاه پاسداران مقر حزب دمکرات کردستان را موشک باران کرده است.

سحرگاه امروز، «زانبار مرادی»، «لقمان مرادی» و «رامین حسین پناهی» سه زندانی سیاسی کرد در زندان رجایی شهر کرج اعدام شدند. این در حالی است که بحران اقتصادی و سیاسی کشور را فرا گرفته است. بسیاری از اساتید دانشگاهها، سیاست مداران و کنشگران مدنی نزدیک به رژیم، برای برون رفت از شرایط دشوار کنونی، یگانه راه را باز سرکوب و خفقان بیشتر و اعدام زندانیان سیاسی را انتخاب

دانند. اما به نظر می آید که حاکمیت جمهوری اسلامی

کرده است. چنانچه در سال 67 پس از قبول جام زهر هزاران شدن فضای سیاسی و آزادی زندانیان سیاسی دگر اندیش می

<p>شاخان کیمین، میلیونلارین گوزلرینده اود پایلادین. گلهجگی، باشماقچین، حیات اوچون،</p> <p>یئنی لیگه، «وارلیغیمیز چالیشماق دیر» دئییه – دئییه سن هایلادین. «بوخلوغوموز داینامق دیر، داینامیین، آخین!» دندین نسیلله. ایلر کنجدی، میلیون – میلیون انسانلاری اوردوموز چکدین بیزیم. قلبیمیزده دوستلوق آدین، صلح سئورلیک ایدیلارین اکدین بیزیم. گلهجگین موشتولوغون اوز قانینلا پایلادین سن بو انلره؛ «داینامیین، آخین!» دندین نسیلله. سن «نوبار»ین حیاتیندان وارلیغینین معنا سینی نوبار ائتدین. اورمگینده دوشونجه لر دالغاسیندان نوبار لاندین. سن «نوبار»ین قیش عومرونو، چیچک – چیچک دالغالانان دوشونجه باهار ائتدین. سن یاشاتدین نیسگیل بوبلو مین حسرتلی دالغالاری اورمگینین دنیزینده. سن حیاتا، اومید – اومید گولونون آنجاق؛ گزنمهدی قارانلیغین آفت قوردو دیشلرینین صاف ریزینده...! گلهجگی یاشماقچین، حیات اوچون، یئنی لیگه، «وارلیغیمیز چالیشماق دیر» دئییه – دئییه هار ایلادین مرضیه جان! اورمگیمیزه اود پایلادین مرضیه جان! میلیون – میلیون انسانلاری اوردوموز چکدین بیزیم؛ قلبیمیزده دوستلوق آدین، صلح سئورلیک ایدیلارین اکدین بیزیم. «داینامیین، آخین!» دندین نسیلله؛ گلهجگین موشتولوغون اوز قانینلا پایلادین سن بو انلره.</p>	 <p>بوخلوغوموزدا یاتماق.... ! علی حسن اوغلو</p> <p>مرضیه احمدی اسکوتی «نین خاطر مسینه بیر دنیل کی، – میلیون اورمک – میلیونلاردا یاشاییر سان؛ میلیون – میلیون آرزولاری اوز آدینلا داشاییر سان! بیزیم آنا وطنیمیز سنین آنا آدیندادیر؛ آنالارین طولمه قارشلی، حاقسیرلیغا، بوغونتویا، کؤلملیگه چیخیش اولان حاق – هاری، سسینده، فریادیندادیر؛ بیزیم آنا وطنیمیز سنین آنا آدیندادیر. یوردوموزون گوزلر قیزی مرضیه جان! یاشادیجا آذربایجان، بؤیوک ایران؛ یاشادیجا... – بئله دنیم – قارانقولوق بیر فضائین اوره بینده اود قورشاغی، او – کهکشان، یاشایارسان زامان – زامان. دامارلاردا غیرت سویو، کیشیلیگین خولغو – خویو، قیزیل رنگلی آدیقجا قان، یاشایارسان مرضیه جان مرضیه جان! خیردا – اینجه بیر آرخ کیمی زینه – زینه، میلیونلارین حیات ادلی دنیزینده – آخیر سان سن. فیکیرلرین سماسیندا، اورمکلرین ماوی – ماوی گویلرینده – شاخیر سان سن. سن – ایلدیریم حکمتلی سن؛</p>	 <p>تاریئل اومید ایرانی مهاجرلر ادبی بیرلینین</p> <p>عمرون چیچک قدر اولدو ۸۷ یاشلی ملئیکه آناما</p> <p>اوره بینده اوغول داغی، گوزللین هدر اولدو. یازیق آنام، عزیز آنام، «عمرون چیچک قدر اولدو.» وطنینی ایئتیر میشدین، قربیلیه اسیر دوشدون. کولک کیمی اسیب کنجدین، آیریلیغین بئتر اولدو. داغیلساق دا بیز هر یانا، خاتیرلاریق یانا- یانا، پارچا- پارچا، شانا- شانا، قایغین بیزه چپر اولدو. اوربینده اوغول داغی، گوزللین هدر اولدو. یازیق آنام، عزیز آنام، «عمرون چیچک قدر اولدو</p>
---	--	--